

روند تکاملی مطالعات جغرافیایی

استقرارگاه روستایی نوین در قالب

دیدگاه‌های 'انسان-محیطی' و 'ناحیه‌ای'

دکتر فاطمه بهروز استاد دپار
گروه جغرافیا دانشگاه تهران

قسمت سوم

بررسی‌های اخیر:

مطالعات جغرافیای استقرارگاه روستایی از دهه ۱۹۷۰ به بعد، گرایش قابل توجهی به سوی دیدگاه‌های فضا‌ی و رفتاری داشته‌اند. بنابراین تحقیقات انجام شده بر اساس دیدگاه‌های "انسان - محیطی" و "ناحیه‌ای" به تدریج با گرایش یافتن به دیدگاه فضا‌ی از محتویات و روش‌های تحقیق جدیدتری برخوردار شده‌اند.

اهمیت بررسی مسایل اجتماعی و اقتصادی روستاها شامل تغییرات فرمی و نقش آنها، صنعتی شدن روستاها، افزایش ارتباط شهر و روستا، بروز مظاهر زندگی شهری در استقرارگاه‌های روستایی و بالاخره تبدیل نقش‌های کشاورزی به نقش‌های صنعتی، تجاری، خدماتی، و خوابگاهی، محتوای مطالعاتی بررسی‌های اخیر را تشکیل می‌دهند. در اینجا به آثار مشارکت‌کنندگان مده اشاره خواهد شد.

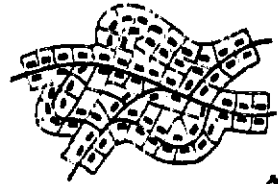
کلات (۱۹۷۲) در توجه مسایل کلی روستایی در انگلستان به‌ارائه نظریات عمومی خود در مطالعات جغرافیای روستایی می‌پردازد. وی ضمن ارائه مدلی، حدود مطالعات جغرافیای روستایی را تعیین می‌نماید. تمرکز بررسی او بر روی شناخت چگونگی استفاده از اراضی کشاورزی - روستایی در رابطه با شرایط طبیعی و اجتماعی - اقتصادی هر ناحیه بوده که هم‌اکنون با سخنگوی تاقا‌های استفاده از زمین برای بهره‌برداری‌های مسکونی، غذایی، کارخانه‌ای، ارتباطی و گذراندن اوقات فراغت مردم در اراضی روستایی آن ناحیه می‌باشد. کلات در قسمت تحقیق تجربی خود به بررسی کم‌جمعیت شدن روستاها، شهری شدن نواحی روستایی، آمایش زمین و برنامه‌ریزی، تغییرات بنیادی در کشاورزی و کارخانه‌ای شدن محیط روستایی در کشور انگلستان می‌پردازد. خط‌مشی اصلی مطالعه تغییر زندگی روستایی به زندگی شهری می‌باشد که قابل مقایسه و تطابق با مسایل امروزی بسیاری از روستاهای جهان است. روش تحقیق نظریه‌ای و ناحیه‌ای کلات شامل بررسی محتوایی از "فرم توزیمی" و "نقش اجتماعی - اقتصادی مراکز روستایی و تغییرات آنها در مقاطع زمانی می‌باشد. روش تلفیقی نظریه‌ای و تجربی کلات دارای ارزش کاربردی بوده و به علاوه به دلیل ارزشیابی فرآیندهای مورد مطالعه از مکانیسم بومیایی برخوردار می‌باشد.

می‌هیو (۱۹۷۳) جغرافیدان دیگر انگلیسی با استفاده از بررسی‌های تاریخی، فرهنگی و اقتصادی به مطالعه جامعی در مورد استقرارگاه‌های روستایی آلمان به روش ناحیه‌ای پرداخته است. محتوای بررسی او شامل شناسایی "مبای" ، "فرم‌ها" (تندیسی و توزیمی) و "نقش‌های" مزارع و روستاهای آلمان و "نوع مالکیت" اراضی کشاورزی می‌گردد. هم‌اکنون تغییرات فرمی و نقشی استقرارگاه‌های روستایی، رشد و توسعه روستاها و سیستم‌های کشاورزی آلمان در طول زمان مورد تجزیه و تحلیل وی قرار گرفته است. روش بررسی وی که روند تکاملی استقرارگاه‌های روستایی را در یک ناحیه، مورد نظر قرار می‌دهد، دارای تحریک روش تحقیقی بوده که استدلالات لازمه را به همراه دارد.

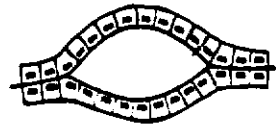
در جهت کاربرد مدل "چشم‌انداز فرهنگی" در تحقیقات جغرافیای استقرارگاه روستایی، برخی از جغرافیدانان آمریکایی نظیر جوردن و رانتزی (۱۹۷۶) به مطالعات خود در چهارچوب دیدگاه ناحیه‌ای و با گرایش به دیدگاه "انسان - محیطی" پرداخته‌اند. جوردن و رانتزی اقدام به طبقه‌بندی سیستماتیک از سیمای عمومی روستاها نمودند و بدین ترتیب توزیع جغرافیایی ساکن روستایی و متعلقات آنها و همچنین طرح توزیع مزارع و کشتزارها را در چشم - اندازه‌های مختلف روستایی، به صورت مدل‌هایی نمایش دادند (شکل ۱). بررسی "فرمی" (تندیسی و توزیمی)، "نقشی" و فرآیندهای تغییراتی "چهره و نقش روستاهای یک ناحیه" جغرافیایی، مورد نظر این جغرافیدانان بوده است. تمرکز بررسی بر روی جنبه‌های "فرمی"، "نقشی" و "تاریخی"، مجموعه روستاهای یک ناحیه - جغرافیایی نیز در تحقیق ناحیه‌ای رابرتز (۱۹۷۷) در مورد استقرارگاه‌های روستایی بریتانیا، مشاهده می‌شود.

تعیین محتوای تحقیقاتی جغرافیای استقرارگاه روستایی به همت جغرافیدانانی نظیر کلات (۱۹۷۹، ۱۹۷۸، ۱۹۷۷) و لوفیس (۱۹۷۹) در بالا بردن ارزش تخصصی مطالعات جغرافیای استقرارگاه روستایی در سال‌های اخیر، بنیاد مؤثر بوده است. در اینجا باید توجه داشت که به دلیل اهمیت برخی از موضوعات مورد تحقیق نظیر وجود روابط اجتماعی و اقتصادی بین مراکز شهری و روستایی، گرایش به سوی کاربرد دیدگاه فضا‌ی و تلفیق آن در مطالعات ناحیه‌ای و "انسان - محیطی" روستایی می‌باشد. بنابراین موضوعات جغرافیای استقرارگاه روستایی که مورد تأکید کلات و لوفیس واقع شده‌اند، ضمن آنکه در قالب دیدگاه‌های "ناحیه‌ای" و "انسان - محیطی" قرار دارند، با دیدگاه فضا‌ی نیز در برخی از موارد، مشترک می‌شوند. کلات در بیان نظری ماهیت "استقرارگاه‌های روستایی"، موضوعاتی نظیر تغییرات شکلی و نقشی کشاورزی، توسعه روستایی، شهری شدن چشم‌انداز روستایی، سکونت‌گزینی در روستاها (جهت گذراندن ایام بازنستگی، استفاده‌های توریستی و گذراندن اوقات فراغت)، تغییرات جمعیتی، کشاورزی و بهیشت‌های آن در کشورهای جهان سوم، سیستم‌های استقرارگزینی روستایی و مسایل

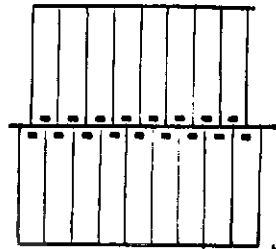
نکل ۱- طبقه‌بندی روستاها براساس بافت یا فرم توزیعی آنها
(جوردن و رانتری ۱۹۷۶)



روستای مجتمع



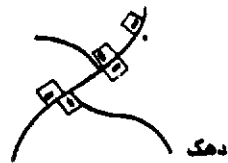
روستای سرسبز



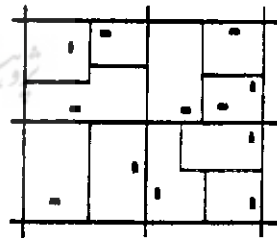
روستای ردیفی



روستای خیابانی



دهک



چهره روستایی متفرق (تفرق خانه‌های مزرعه‌ای بر روی کشتزارها)

- جاده‌ها
- ▭ خطوط حد املاک
- خانه‌های مزرعه‌ای

آنها ، مطالعات " انسان - محیطی " شامل مسایل مربوط به الگوی استفاده‌گیری از زمین ، و بالاخره نگهداری و احیای چشم‌اندازهای روستایی را مورد توجه قرار می‌دهد . این جهت‌یابی موضوعی کلات را می‌توان در شناخت و تحلیل " فرم " ، " نقش " ، " تغییرات فرمی - نقشی " روستاها ، فرآیند ارتباط فضایی (اجتماعی - اقتصادی) شهر و روستا " و بالاخره " برنامه‌ریزی و به‌سازی روستایی " خلاصه نمود . نظرگاه لوفیسی با تأکید بر شناخت و تحلیل مسایل اجتماعی در جامعه‌های روستایی ، به موضوعاتی نظیر علل مهاجرت‌های روستایی ، رابطه دائمی شهر و روستا ، شهرگرایی در چشم‌انداز روستایی ، خصوصیات جامعه‌ای و اثرات آن بر وضع کشاورزی روستاها ، سیستم اجتماعی جوامع روستایی ، بنیان یافته است . بررسی نظری لوفیسی دارای بار جامعه‌شناسی بوده و از لحاظ مبهم دانستن شناسایی برخی از فرآیندهای فضایی شهری - روستایی (نظیر رابطه شهر و روستا) ، دارای عقیده مشابه با کلات می‌شود .

ادامه بررسی‌ها در اوایل دهه ۱۹۸۰ ، کماکان بر مبنای شناخت مسایل اقتصادی - اجتماعی استقرارگاه‌های روستایی انجام گرفته است . نظیر دهه ۱۹۷۰ ، تلفیق دیدگاه‌های " انسان - محیطی " و " ناحیه‌ای " که بی‌نیاز از گرایش به سوی دیدگاه فضایی نبوده است ، در محتوای تحلیلی جغرافیای استقرارگاه‌های روستایی جدید و امروزی مشاهده می‌شود . موضوعات و مسایل روستایی مطرح شده در بررسی‌های نظری کلات (۱۹۸۲ ، ۱۹۸۱ ، ۱۹۸۰) شامل حفظ و نگهداری چشم‌انداز روستایی ، تغییرات " فرمی " و " نقشی " چشم‌اندازهای روستایی در یک دوره تاریخی ، صنعتی شدن روستاها ، مهاجرت مردم بین شهر و روستا ، شناخت فرآیندهای تغییردهنده سیمای نحوه آمایش اراضی کشاورزی ، برنامه‌ریزی برای مسکن‌گزینی و خانه‌سازی در روستاها و بالاخره برنامه‌ریزی روستایی می‌باشد . تحقیق نظری - تجربی هاچ و ویت‌های (۱۹۸۱) با تأکید بر شناخت علل به‌کاری در روستاهای انگلستان که منجر به افول اقتصادی این روستاها گشته است ، در جستجوی پیدا کردن راه‌حلهایی در باره حل این‌گونه مشکلات روستایی در کشورهای توسعه‌یافته بوده‌اند . این جغرافیدانان با استفاده از تجربیات و مدل‌های مربوطه ، تغییرات جمعیتی و اشتغالی روستایی را در رابطه با توسعه‌های ناحیه‌ای مورد توجه قرار داده و ایجاد قطب‌هایی را برای اشتغالات روستایی پیشنهاد می‌نمایند . بنابراین برنامه‌ریزی برای توسعه روستایی ، مورد نظر این جغرافیدانان نیز می‌باشد .

ارزشیابی نهایی از روش‌های تحقیق این دوره ، نشان می‌دهد که تلفیق دیدگاه‌های " ناحیه‌ای " و " انسان - محیطی " با گرایش قابل توجه به دیدگاه " فضایی " از خصوصیات عمومی این بررسی‌های نظری - تجربی می‌باشد . محتوای مطالعاتی را می‌توان شامل تحلیل خصوصیات ناحیه‌ای چشم‌اندازهای روستایی ، طرح نگهداری و احیای این چشم‌اندازها ، بررسی فرم توزیعی (بافت) استقرارگاه‌های

روستایی ناحیه‌ای و تغییرات "فرسی" و "نقشی" آنها در اثر تحولات اجتماعی و اقتصادی، شناخت و تحلیل ناحیه‌ای از روابط متغیر شهری - روستایی، صنعتی شدن و شهری‌گرایی چشم‌اندازهای روستایی، مشکلات و محرومیت‌های موجود در روستاها در قالب مطالعات و تحقیقات نظری - تجربی دانست. هدف اصلی محققین و مفارک کنندگان در مطالعات اخیر جغرافیای استقرارگاه روستایی، ارائه مدل‌ها و پیشنهاداتی جهت کاربرد در برنامه‌ریزی روستایی به منظور رفع مشکلات اساسی، توسعه و به‌سازی روستاها بوده است.

خلاصه، یافته‌ها و جهت‌یابی آینده:

روند تکاملی مطالعات جغرافیای استقرارگاه روستایی نوین در قالب دیدگاه‌های "انسان - محیطی" و "ناحیه‌ای" در مقطع چهار دوره، تاریخی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت. اولین دوره را می‌توان به دلیل تخصص‌گرایی آگاهی آن در مطالعات جغرافیای استقرارگاه روستایی، بسیار با ارزش دانست. بررسی موضوعاتی نظیر موقع جغرافیایی، مبدأ و چگونگی تشکیل، فرم تشدیدی و توزیعی، و نقش استقرارگاه‌های روستایی، عمدتاً در قالب دیدگاه "انسان - محیطی" با گرایش "ناحیه‌ای" و بهره‌گیری ضمنی از دیدگاه فضایی از مشخصات محتوایی و روش تحقیقی این دوره می‌باشد. ادامه بررسی‌ها در دوره دوم (۱۹۵۰ - ۱۹۶۰)، علاوه بر موضوعات مورد مطالعه در دوره اول، شامل شناخت وسیع‌تر در مورد نقش‌های اجتماعی - اقتصادی خانوارهای روستایی و مجموعه روستاها، و بیان تغییرات فرسی و نقشی استقرارگاه‌های روستایی در طول زمان با توان فرایندگرایی بوده است. محور اصلی مطالعات در قالب تحقیقات عملی ناحیه‌ای به همراه ارائه نظریات و مدل‌های مربوطه، دارای ابعاد نظریه‌ای - تجربی گشته که شاهد افزایش تخصص‌گرایی در این مقطع زمانی می‌باشد. کاربرد روش تحقیق "ناحیه‌ای" با گرایش "انسان - محیطی" و اشتراک‌گرایی با دیدگاه فضایی را می‌توان از خصوصیات روستاشناسی دوره دوم دانست. محتوای مطالعاتی دوره سوم (۱۹۷۰ - ۱۹۸۰) اکثراً با تأکید بر بررسی یکی از خصوصیات استقرارگاه‌های روستایی، به همراه شناخت و تحلیل جزئیات آن مورد خاص همراه می‌باشد. به عنوان مثال فقط شناسایی و توجیه وضع مالکیت ارضی روستایی و تحلیل شیوه‌های معماری خانه‌های روستایی در مجموعه روستاهای یک ناحیه مورد مطالعه و با تکامل بافتی روستاها، در محدوده تحقیقات عملی محققان روستایی قرار گرفته است. این بررسی‌ها عمدتاً در چهارچوب دیدگاه ناحیه‌ای و همفا با تلفیق بررسی‌های "ناحیه‌ای" و "انسان - محیطی" صورت گرفتند و اشتراک‌گرایی با دیدگاه فضایی را دارا بوده‌اند. ارائه نظریه‌ها و تعاریف جدید در زمینه جغرافیای استقرارگاه روستایی، ابعاد نوگرایانه و افزایش تخصص‌گرایی جغرافیای استقرار روستایی

را به همراه داشته است. آخرین دوره، تکاملی مطالعات از سال ۱۹۷۰ تا کنون، شاهد تغییرات چشمگیر در محتوای مطالعاتی جغرافیای استقرارگاه روستایی می‌باشد. علت اصلی این تغییرات را می‌توان در توسعه و تحول چشم‌اندازهای روستایی و شهری موجود در محیط زندگی انسان امروز دانست. توسعه و عمران‌های ناحیه‌ای، ارتباط فراینده شهرها و روستاها را در هر ناحیه، تقویق نموده است که این امر منتهی به خود شامل تغییرات تشدید فرمی و نقشی در مجموعه استقرارگاه‌های روستایی هر ناحیه خاص می‌باشد. امروزه روستاشناسان به تحلیل خصوصیات ناحیه‌ای چشم‌اندازهای روستایی، چگونگی نگهداری و احیای آن چشم‌اندازها، تغییرات فرمی و نقشی روستاها، تفسیر و تحلیل، رابطه روستا - شهری، صنعتی و شهری شدن روستاها، و تحلیل محرومیت‌های روستایی می‌پردازند. روش تحقیق جغرافیدانان استقرارگاه روستایی در این دوره، اخیر، تلفیقی از دیدگاه‌های "ناحیه‌ای" و "انسان - محیطی" بوده که گرایش قابل توجهی را به دیدگاه فضایی دارا می‌باشد. وظایف این جغرافیدانان در حال حاضر ادامه بررسی‌ها در قالب نظریه‌ای - تجربی بوده و در جهت ارائه مدل‌ها و پیشنهادات برای به کار بردن در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی - ناحیه‌ای، متشکل شده است.

با توجه به خلاصه مطالب ذکر شده، می‌توان اظهار کرد که محتوای مطالعاتی جغرافیای استقرارگاه روستایی نوین ضمن ابقای مفاهیم اصلی و اولیه خود، شاهد تحول و توسعه قابل توجهی در ماهیت خود بوده است. به عنوان مثال مفاهیم اصلی نظیر "موقع جغرافیایی"، "مبدأ" و چگونگی تأسیس، "فرم و نقش" استقرارگاه‌های روستایی در بررسی‌های اخیر جغرافیای استقرارگاه روستایی هنوز حفظ شده‌اند، ولیکن شیوه بررسی این مفاهیم به همراه عناوین جدیدی، دستخوش تغییر گردیده است.

جغرافیدان روستاشناس امروزی، به‌جای توصیف مفصل از موقع جغرافیای (طبیعی - انسانی) هر خانه روستایی و یا هر روستای واقع در ناحیه مورد مطالعه، به بررسی توزیع فضایی (موقع نسبی) مجموعه خانه‌های روستایی یک استقرارگاه و یا مجموعه روستاهای یک ناحیه متجانس جغرافیایی می‌پردازد. بدین ترتیب فرایندهای ارتباطی موجود بین روستاها و یا روستاها و شهرهای یک ناحیه، در نظام فضایی آنها، مورد بررسی و تحلیل واقع می‌شوند که از لحاظ روش‌های تحقیق قابل قبول امروزی، دارای ارجحیت علمی نسبت به بیان توصیف محض می‌باشند. بررسی تحلیلی از علل رشد و توسعه "فرسی" و "نقشی" روستاهای یک ناحیه که متأثر از عمران ناحیه‌ای و افزایش نفوذ اقتصادی - اجتماعی شهرهای همده آن ناحیه می‌باشد، نیز ابعاد تازه مطالعات امروزی است که معمولاً در جستجوی ارائه راه‌حل‌هایی برای رفع مشکلات حاصله در روستاها می‌باشد. کاربرد دیدگاه‌های "انسان - محیطی"، "ناحیه‌ای" و یا تلفیق آنها در تکامل مطالعات جغرافیای استقرار روستایی نقش اساسی داشته است و گرایش‌های فراینده به بهره‌گیری از دیدگاه

Clout, Hugh D. 1972, *Rural Geography: An Introductory Survey, Great Britain*, Bidd - les Ltd.

Clout, Hugh. 1977. "Rural Settlements.", *Progress in Human Geography*, Vol.1, 475-480.

1978. "Rural Settlements.", *Progress in Human Geography*, Vol.2, 505-511.

1979. "Rural Settlements.", *Progress in Human Geography*, Vol.3, 417-424.

1980. "Rural Settlements.", *Progress in Human Geography*, Vol.4, 392-398.

1981. "Rural Settlements.", *Progress in Human Geography*, Vol.5, 408-413.

1982. "Rural Settlements.", *Progress in Human Geography*, Vol.6, 425-430.

Demangeon, Albert. 1905. *La Picardie et les Regions Voisines*, Paris, 333-398.

1920. "L'Habitation Rurale en France: Essai de Classification des Principaux Types.", *Annales de Geographie* Vol.29, 325-375.

1927. "La Geographie de L'Habitat Rural, -" *Annales de Geographie*, Vol. XXXVI, 97-114.

1962. "The Origins and Causes of Settlement Types", In *Readings in Cultural Geography*, (Edited by Wagner and Mikesell), 506-516 .

Denman, D.R. 1958. *The Origins of Ownership*, England.

Haggett, Peter. 1983. (Revised Third - Edition). *Geography: A Modern Synthesis*, USA, New York, Harper And Row Publishers Inc.

Haggett, P., Cliff, A.D., and Frey, A. 1977. *Locational Analysis in Human Geogra - phy*. London: Edward Arnold.

Hodge, I., and Whitby, M. 1981 *Rural Employment: Trends, Options, Choices. USA* : Methuen and Co.

James, Preston E. 1977. (Eighth Prin - ting and First Edition.) *All Possible Worlds: A History of Geographical Ideas*. Indiana : Bobbs-Merrill Company.

خادم د کتب بهروز منا به مفصل دیگری معرفی کرده اند که به علت ضیق جا ، چاپ آنها میسر نگردید . لیست بقیه منابع در دفتر معلم موجود است .

"نضایی" ، دارای سیم تکمیلی ضمنی در این مورد بوده است . اکنون که نظام جغرافیای استقرارگاه روستایی به شناخت فرم توزیعی (بافت) استقرارگاه‌های روستایی و کنش‌های ارتباطی نضایی و برآیندهای مؤثر در تغییر شکل و نقش این استقرارگاه‌ها در نظام نضایی آنها متشکل گردیده ، لذا مطالعات روستایی در قالب دیدگاه‌های "انسان - محیطی" و "ناحیه‌ای" به بهره‌گیری از مدل‌ها و نظریه‌های نضایی که دارای مکانیسم کمیته می‌باشند ، همچنان نیازمند خواهد بود . کمیته نمودن جغرافیای استقرارگاه روستایی "انسان - محیطی" و "ناحیه‌ای" می‌تواند افزون شدن دقت مطالعات مربوطه و اعتبار علمی فراینده ، نقش مؤثرتری را ایفا نماید . به علاوه ، حفظ ارتباط با تحقیقات مشابه انجام شده و کاربرد مدل‌ها و نظریه‌های مربوطه در هر بررسی تجربی ، می‌تواند به کلیت‌گرایی فراینده‌ای در مطالعات روستایی "انسان - محیطی" و "ناحیه‌ای" منجر شود که به نوبه خود دارای توان آینده‌نگری می‌باشد . کاربرد ناحیه‌ای چنین تحقیقات تجربی ، در برنامه‌ریزی برای توسعه‌های روستایی می‌تواند شمر شمر قرار گیرد .

قدردانی

نگارنده از راهنمایی و تجدید نظر استاد دکتر محمدحسن گنجی در تدوین این مقاله بهره گرفته که بدینوسیله نهایت قدر - دانی و سپاس خود را تقدیم حضور ایشان می‌دارد . ضمناً نگارنده از تبادل نظر همکار ارجمند خویش آقای دکتر سید علی پورفیکومی در مورد این مقاله ، نهایتاً تشکر می‌نماید .

Baker, A.R.H. 1969 (Edited by W.B.Fisher). " The Geography of Rural Settlement", in *Trends in Geography: An Introductory Survey*, 123-132.

Bowman, Isaiah. 1926. " The Scientific Study of Settlement "., *The Geographical Review.*, Vol. XVI, No. L, 647-653.

Bresford, M.W. 1954. *The Lost Villages of England*, London: Lutterworth, England.

Brunhes, Jean. 1947 (French Edition), *Human Geography*, (Translated in English by E.F.Row B.Sc., Econ.F.R.Econ.S.1952), Great Britain, George G.Harrap and Co., Ltd.